

خراسان شامی <p>روزنامه خراسان شامی: گروه چهارم نشریات روزنامه‌های اقتصادی،فرهنگی،اجتماعی خراسان شامی یکشنبه ۱۵ آشتد، ۱۳۹۹ <p>۱۶ رجب ۱۴۴۲، شماره ۳۵۰۳</p></p>	<p>صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری خراسان مدبر مسئول: محمد سعید اعدیان سرمدیور: علی ولیزاده دفترمرکزی: مشهد، (ره‌شهیادصادقی (سازمان‌اب) بانه: ۲۰۰۹۹۹۰۰ چاپ:هرچاپ خراسان</p> <p>صندوق پستی: ۵۱۱-۹۱۷۳۵ تلفن: ۵۱-۲۷۲۶۲۰۰۰ فکس: ۵۱-۲۷۲۶۲۳۹۵ لایبردیبر:خانه صندوق پستی: ۹۴۱۵۵، ۱۳۷۷ دفترمرکزی: پدیش‌ای کهی ۳۲۲۴۵۰۰۵</p>
<p>تحریریه: ۳۲۲۴۲۲۱۱-۳۲۲۴۷۲۲۲ تلفن: ۳۲۲۴۷۲۲۲-۳۲۲۴۷۲۲۲ مسئول تحریریه: ۳۲۲۳۰۰۱۴ تلفن: ۳۲۲۳۰۰۱۴ و لایبرسرسرپست</p>	<p>آدرس: بخورد، خیابان طالقانی غربی، خیابان سسده به لیاف، سسده به لیاف ۱۶، کوچه دوم، پلاک ۹ تلفن: ۲۲۲۴۰۰۷۱-۲۲۲۴۰ صندوق پستی: ۹۴۱۵۵، ۱۳۷۷ دفترمرکزی: پدیش‌ای کهی ۳۲۲۴۵۰۰۵</p>

--	--

پارتی بازی برای نوبت گرفتن از رمال

ماجرای رمال سیار

حیدرزاده

با شماره ای که یکی از دوستانم در اختیارم قرار داده تماس می گیرم، آن سوی تلفن مردی جوان، بسیار پرانرژی و با اعتمادا به نفس بالا شروع می کند به تعریف کردن از خود؛ از این که هر کس هر مرضی داشته باشد، دوایش در دست اوست و اگر دزدی شده باشد می تواند سارق یا جای مال به سرعت رفته را اعلام کند، او حتی ادعا می کند می تواند بیماری را که به گفته خودش دکتر جواب کرده است، درمان کند و البته همه این ها بستگی به این دارد که به کار او ایمان داشته باشی و گرنه کارها خوب پیش نمی رود! این صحبت آخر یعنی اگر فردی برای مشکل اش به او مراجعه کند و به نتیجه نرسد لابد به کار او ایمان نداشته است.

■ **کشتی های غرق شده**

بعد از مدت ها با دوستم صحبت کردم و او در لابه لای حرف هایش به رمالی اشاره کرد که با جادو جنبل توانست مهر از دست رفته همسرش را برگرداند.

او را در یکی از بازارهای روز وقتی برای یکی از مراجعه کنندگان نسخه شفا می پیچید، دیده، مشکل اش را با او در میان گذاشته و با پرداخت ۲۰۰ هزار تومان دعالی مخصوص مهر و محبت گرفته بود. حالا از این که زندگی مشترکش چفت و بست گرفته راضی است و هر کسی را می بیند که به مشکلی برخورد،ه، این رمال را به او معرفی می کند. شماره تلفن را از او می گیرم تا سر فرصت به بهانه ای با او تماس بگیرم.

مرد جوان که خود را خبره کار می داند و معتقد است که تمام گرّه های زندگی با دستانش باز می شود، بر ایمان داشتن به کار خود تاکید می کند و وقتی از او می پرسم کجا می توانم شما را ببینم، می گوید: اکنون در راه یکی از شهرهای شمالی هستم و باید به چند بیمار سر بزهم، یک هفته بجنورد بوم، کاش زودتر تماس می گرفتید. شماره تماس و مشکل تان را پیامک کنید تا هر وقت برگشتم، اطلاع دهم.
شهر به شهر می رود، مدتی در جایی ساکن می شود، پولی به جیب می زند و باز جاده را در

آکهی دعوت از مجاورین

با عنایت به این که آقای علیرضا صفدری برابر درخواست شماره ۱۳۳۶/۱۳۹۸-۹۸/۴/۲۲-تقاضای صدور سند کاداستری ششدانگ یک باب منزل پلاک ۶۹ فرعی از ۱۳ اصلی واقع در اراضی صفدرآباد بخش سه قوچان را نموده است و نظر به این که پلاک مذکور فاقد طول و ابعاد است که این امر نیاز به بازدید و بررسی و برداشت حدود اربعه پلاک فوق الذکر را دارد و وقت معاینه و نقشه برداری پلاک فوق در مورخه ۹۹/۱۲/۱۷ ساعت ۱۰ صبح تعیین شده است و در محل انجام خواهد شد. لذا بدینوسیله در اجرای بند ۸ بخشنامه ۲۹۹/۴۶۸۶۹-۹۰/۳/۱۱ سازمان ثبت اسناد و املاک موضوع کد ۹۱۴ مجموعه بخشنامه های ثبتی از مجاورین پلاک مذکور و افراد ذینفع که برابر مشروحه شماره ۲۹۹/۹۹/۶۲۲۱۰-۹۹/۱۲/۵-مجهول امکان می باشند، دعوت به عمل می آید در وقت مقرر در محل حضور به هم رسانیده، بدیهی است عدم حضور مجاورین مانع از عملیات نقشه برداری نخواهد بود.
تاریخ انتشار: ۹۹/۱۲/۱۰

محمداسماعیل فرهنگند- رئیس اداره ثبت اسناد و املاک فاروج

آکهی مزایده

بنیاد تعاون زندگینان خراسان شامی در نظر دارد اموال مزاد و اسقاطی منقول ذیل را از طرق مزایده عمومی به فروش رساند. متقاضیان محترم می توفند جهت ملاحظه و دریافت فرم شرکت در مزایده از تاریخ انتشار آکهی ۱۳۹۹/۱۲/۱۰ به آدرس زندان شیروان و بجنورد واحد بنیاد تعاون زندگینان مراجعه نمایند.	
جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۵۸۳۶۲۴۱۹۲۲ بنیاد تعاون شیروان آقای جهتی و شماره تلفن ۵۸۳۲۲۴۰۲۵۸ بنیاد تعاون بجنورد آقای سید حمید فخرطه تماس حاصل فرمائید.	
آخرین مهلت تکمیل و ارسال اسناد مزایده و همچنین تحویل پاکات (الف و ب) به بنیاد تعاون زندگینان تا پایان وقت اداری ۱۳۹۹/۱۲/۱۷ خواهد بود. زمان و مکان جلسه بازگشایی پاکات روز دوشنبه مورخ ۱۳۹۹/۱۲/۱۸ ساعت ۱۰ صبح در محل بنیاد تعاون زندگینان خراسان شامی برگزار خواهد شد. به پیشنهادات ناظمی، میهم، مشروط یا فاقد سیرده کلفی شرکت در مزایده ترتیب اثر داده نخواهد شد.	

ردیف	اموال اسقاطی	محل استقار	مبلغ تخمین شرکت در مزایده
۱	مرزگش، بیل عقب ۲ متری، دیسک ۲۸ پر، تراکتور فیات سه سیلندر، چغندر کن ۲ ردیف، گاوآهن سه خیش، ترلیواتور ۲۴ تیغه، سم پاش ۴۰۰ لیتری، بیل عقب ۲ متری، گاوآهن سه خیش پایدارساز	زندان بجنورد	
۲	گاوآهن رومانی چرخ دار، لوله ۴ متری با تیغه ۲ متری، دیسک ۲۸ پر، نهر کن ثابت تراکتور باغی، کود پاش ۱۱۰ کیلویی، تراکتور رومانی مدل ۵۸، تربی دو چرخ کمبرسی بغل کوتاه، دستگاه بلوکه زنی بدون موتور، خرمنکوب بادی بدون گاردن و تسمه، دودمد شاسی گاوآهن، ماشین میتسوبیشی، موتور ایژ	زندان شیروان	۵٪ ارزش پایه

بنیاد تعاون زند انیان خراسان شامی

آکهی مزایده نوبت اول

احتراماً در خصوص پرونده شماره بایگانی شعبه ۹۹۰۰۶۷ موضوع دعوی سیمیه نعمتی به طرفیت ابراهیم کورانی با موضوع مطالبه وجه ملک و معرفی پلاک ثبتی از ناحیه ثالث جهت وصول محکوم به و هزینه های اجرایی مشخصات: پلاک ثبتی تعریف شده شخص ثالث ثریا ساجدی فرزند صفر به کدملی ۵۹۱۹۱۷۲۸۶۱ در پلاک ثبتی ۱۲۵۲۹ فرعی از ۱۷۳ اصلی مفروز و مجزی از ۵۱۰۷ واقع در بخش دو بجنورد ملک مورد نظر یک باب آپارتمان مسکونی واقع در بجنورد، قیام جنوبی، روبروی ناوک، کوی صادقیه، صادقیه ۱۷، کوچه صادقی ۹، پلاک ۱۹۹ میباشد ملک فوق دارای سند تک برگ به شماره ۶۵۸۴۳۴ سری ج سال ۱۳۹۷(۶۵۹۱)۲۶۵۰۲۶۵۸۱۰۰۰ سری و سال ۹۹ تاریخ ۹۹/۱۰/۰۷ (المثنی) یک واحد آپارتمان به مساحت ۸۴/۵۴ مترمربع واقع در طبقه دوم شرقی، مالکیت ششدانگ عرصه و اعیان به نام ثریا ساجدی، دارای عرصه به صورت مشاعی با اعداهای احدائی به تعداد ۶ واحد در مساحت ۲۶۰/۶۵ مترمربع، آپارتمان فوق دارای دو خواب و آشپزخانه، اسکلت بتن و سقف تیرچه بلوک، نمای شمالی و جنوبی بلوک سنگ، دیوار آجری و درب و پنجره دو جداره و دارای پارکینگ قطعه ۴ و انباری قطعه ۳ میباشد. کف حال و اتاق ها سرامیک، آشپزخانه دارای کابینت و هود هوشمند، پله های بلوک سنگ گرانیت دارای آسانسور با ظرفیت ۴ نفره، زمان بازدید مستاجر، مستاجر در آن سکونت داشته باشد صرفنظر از احراز مالکیت در حال حاضر ۵/۸۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال جمله کوچه بن بست و ۸ متری، بافت منطقه ای، تعداد واحدهای احدائی در عرصه به مساحت ۲۶۰/۶۵ مترمربع عمر بنا، مصالح به کار رفته در آن و دارای منصوبه های آب، برق و گاز و دارا بودن آسانسور و سایر موارد ارزش ملک فوق از خارج از هر گونه دیون و به بخش حقوقی و حقیقی فوق ارزش ملک مورد نظر با در نظر گرفتن سهم العرصه، اعیان و امتیازات، در صورتی که بدهی به سایر اشخاص حقیقی و حقوقی نداشته و منعی برای معامله نداشته باشد صرفنظر از احراز مالکیت در نظر داشتن فاکتورهای موثر از معادل چهارصد و پنجاه میلیون تومان برآورد می گردد و این که پس از سیر مراحل قانونی مقرر گردید که ملک مذکور در روز سه شنبه مورخ ۹۹/۱۲/۲۶ ساعت ۱۳:۰۰ الی ۱۳:۳۰ از طریق مزایده حضوری در محل اجرای احکام مدنی دادگستری بجنورد به فروش برسد، بنابراین متقاضیان شرکت در جلسه مزایده میتوانند پنج روز قبل از موعد مقرر در این اجرا حاضر و از کم و کیف موضوع مطلع و در صورت تمایل از مورد مزایده بازدید نمایند. بدیهی است مزایده از قیمت کارشناسی شروع و به بالاترین قیمت پیشنهادی واگذار خواهد شد و ده درصد مبلغ پیشنهادی قبل از برگزاری مزایده اخذ و مابقی مبلغ نیز ظرف یک ماه وصول خواهد شد و در صورت عدم پرداخت الباقی (نود درصد) در مهلت مقرر، مبلغ تودیع پس از کسر هزینه مزایده به نفع دولت ضبط و مزایده تجدید می گردد.

دادورز شعبه اول اجرای احکام مدنی دادگستری بجنورد- کنعانی

می گیرد که بتواند نخى را که رمال داده، از آن آویزان کند تا باد، مشاجرات بین زن و شوهر را با خود ببرد.
بین ما سکوت حکم فرماست، از یکدیگر جدا می شویم تا به کارهایی که رمال توصیه کرده رسیدگی کند و مانع جدایی از همسرش شود.

■ **رمال مجبزه به کارت خوان**

به نظر می رسد رمال ها مانند قارچ در هر گوشه و کنار شهر رویده اند، این پدیده دیگر پیر و جوان نمی شناسد، کافی است به دنبال رمال بگردی، آدرس های مختلفی در شهر هست که می توانی زنگ خانه یا تلفن یکی از آن ها را به صدا درآوری تا تورا راهنمایی کند، البته باید سر کیسه را شل کنی و به فکر پرداخت مبلغ پایین نباشی.
این افراد هر چه معروف تر باشند مبلغ بیشتری دریافت می کنند.
تصمیم می گیرم به بهانه سرقتی که چندی پیش از منزل مان شده، نزدیکی از رمال های معروف بروم.
چند نفر در اتاق بزرگی با رعایت فاصله اجتماعی نشسته اند تا نوبت شان شود.
بین آن ها زوج جوانی هستند که ۷ سال است آرزوی بچه در دل دارند.
بانوی جوان، بعد از رفتن نزد پزشکان مختلف، حالا ناامید این جا نشسته است و به گفته خود شاید فرجی شود و سال دیگر همین موقع فرزندش در آغوشش باشد.
نوبت شان که می شود ماندن اسیند از جا می پرد، ماسک را روی صورتش محکم می کند و با همسرش به اتاق رمال می روند.
بعد از آن ها نوبت من است، فردی به عنوان منشی مرا به اتاق هدایت می کند، هنوز زن و شوهر جوان داخل اتاق هستند، رمال دستگاه کارت خوان را به سوی مرد گرفته و هر دو بر سر قیمت چانه می زنند.
سرانجام روی ۱۵۰ هزار تومان توافق می کنند اما رمال می گوید که اگر جواب گرفتند باید ۲۰۰ هزار تومان دیگر به حسابش واریز کنند و گرنه مدیون او می شوند.

■ **می دانم اما نمی گویم!**

داستان سرقت از منزل مان را برایش تعریف می کنم، او دست و پایش را کم می کند و با بیان این که برایم دردرس می شود، می افزاید: پشت دستم را داغ کرده ام که دیگر وارد ماجرای دزدی نشوم، داستان سرقت منزل تورا هم می دانم اما نمی گویم، من را از نان خوردن نینداز و اگر کار دیگری نداری برو تا مشتری دیگری بیاید که وقت تنگ است.

از من اصرار و از او انکار، آن قدر مطمئن درباره اطلاعات سرقت از منزل ما یا سرتقت های دیگر صحبت می کند که برای امتحان به او مبلغ بالایی پیشنهاد می کنم تا حداقل سرختی بدهد اما او به گوشمالی که چند سال قبل شده بود، اشاره و اضافه می کند: به هیچ قیمتی حاضر نیستم در خصوص دزدی صحبت کنم و برای

آن وقت بگذارم، سپس کارت خوان را پیش روی می گیرد و از من می خواهد ۵۰ هزار تومان کارت بکشم.

از اتفاق بیرون می آیم و به طعمه های رمال نگاهی می اندازم که با آن زبان چربش می تواند ماه ها یک مشتری را به دنبال خود بکشاند و از قبل آن درآمد بالایی کسب کند.

■ **نعل و هاون**

به خاطر می آورم چند ماه قبل زمانی که برای تهیه گزارش به بازار پرندۀ فروشی بجنورد رفته بودم با فردی هم کلام شدم که اظهار می کرد دعانویس است و دعاهایی که می دهد ردخور ندارد و کمتر کسی از کارش ناراضی است.
البته اگر سراغ مرغ سیاه را هم بگیري او می تواند خیلی زود آن را برایت تهیه کند.
نام او را در دفترچه تلفن به عنوان رمال ذخیره کرده ام.
در نخستین زنگ تلفن پاسخ می دهد و بعد از این که می گویم مادر بزرگم به سختی بیمار شده و توان حرکت ندارد، اظهار می کند: آدرس بدهید، در اسرع وقت خودم را می رسانم، البته قبل از آن یک نعل اسب و یک هاون تهیه کنید.
نعل را برای این می خواهد که با دسته هاون روی آن بکوبد و روی آن ورد بخواند و باید هر روز ما آن را روی حرارت داغ کنیم تا دردهای مادر بزرگم کم و کمتر شود.

نمی دانم قضیه را چگونه جمع کنم چون موضوع را جدی می شود! من من کنان می گویم: اگر مادر بزرگم را بستری نگرند با شما تماس می گیرم، البته باید با بزرگ ترها مشورت کنم.

به من اطمینان خاطر می دهد که هر وقت از شیانۀ روز بخواهیم می تواند بر بالین مادر بزرگ فرضی من حاضر شود و نسخه های شفابخش خود را بیپچد.

به شماره تماس رمال دیگری نگاه می کنم که ابزار کارش چاقوست و تصمیم می گیرم با او تماس بگیرم تا بیشتر از این خود را در معرض صحبت های صد تا یک گاز قرار ندهم!
خاطره ۲۰ سال قبل را مرور می کنم؛ یکی از آشنائیان به بیماری صعب العلاجی مبتلا شده بود، رمال از درون کیف مندرشس چاقویی را بیرون آورد و در مقابل چشمان وحشت زده ما آن را در نقاط مختلف پیشانی بیمار فرو برد، بدون این که ذره ای خون بیاید! هر چه بود حال خراب ما از دیدن این صحنه و استرسی بود که تا مدت ها در جان مان رخنه کرده بود که چگونه اجازه انجام این کار را دادیم و هنوز آن صحنه از ذهن ما پاک نشده است و البته حال بیمار ما خوب نشد.
رمال ها همچنان در نقاط مختلف شهر می رویند و هر یک با حربه و حقه ای افرادی را که در تنگنای زندگی قرار گرفته اند، سر کیسه می کنند.

آکهی دعوت مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده

شرکت صندوق حمایت از توسعه بخش کشاورزی شهرستان جاجرم (سهامی خاص)

ثبت شده به شماره ۴۴۷ و شناسه ملی ۱۴۰۰۵۴۹۲۵۸۱

به اطلاع کلیه صاحبان سهام شرکت صندوق حمایت از توسعه بخش کشاورزی شهرستان جاجرم(سهامی خاص) می رساند که جلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده شرکت مذکور در ساعت ۸ صبح روز چهارشنبه مورخ ۱۳۹۹/۱۲/۲۰ در محل سالن جلسات مدیریت جهاد کشاورزی شهرستان جاجرم واقع در خیابان شهید بهشتی جاجرم برگزار می گردد. بدینوسیله از کلیه سهامداران و نمایندگان قانونی صاحبان سهام دعوت به عمل می آید تا با در دست داشتن کارت شناسایی معتبر و معرفی نامه از تشکل مربوطه در روز و ساعت مقرر در محل مذکور حضور به هم رسانند.

الف-دستورات جلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده :

۱-استماع گزارش هیئت مدیره در خصوص عملکرد شرکت

۲-ارائه گزارشی از پیگیری های انجام شده در خصوص مصوبات مجامع قبلی

۳-بررسی و تصویب اصلاحیه بودجه سال مالی منتهی به پایان آذرماه ۱۳۹۹

۴-بررسی و تصویب بودجه پیشنهادی هیئت مدیره شرکت برای سال مالی منتهی به پایان آذرماه ۱۴۰۰

ضمناً گزارش اصلاح بودجه و بودجه پیشنهادی سال آینده و سایر مستندات جهت ارائه به سهامداران محترم در دفتر شرکت آماده می باشد.

هیئت مدیره صندوق حمایت از توسعه بخش کشاورزی شهرستان جاجرم

آکهی مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده

شرکت صندوق حمایت از توسعه بخش کشاورزی شهرستان گرمه (سهامی خاص)

به اطلاع کلیه صاحبان سهام شرکت صندوق حمایت از توسعه بخش کشاورزی شهرستان گرمه (سهامی خاص) می رساند که جلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده شرکت مذکور رأس ساعت ۱۰ روز چهارشنبه مورخ ۱۳۹۹/۱۲/۲۰ در محل شهرستان گرمه میدان شهید سلیمانی ابتدای خیابان دولت برگزار می گردد. بدینوسیله از کلیه سهامداران و نمایندگان قانونی صاحبان سهام دعوت به عمل می آید تا با در دست داشتن معرفی نامه از تشکل خود (بانضمام شماره ثبت؛ شناسه ملی؛ تاریخ ثبت؛ کدملی و تاریخ تولد روز/ماه/سال نماینده) و افراد حقیقی با در دست داشتن کارت شناسایی (شناسنامه یا کارت ملی) معتبر در روز و ساعت مقرر در محل مذکور حضور به هم رسانند.

الف-دستورات جلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده (رأس ساعت ۱۰) :

۱-استماع گزارش هیئت مدیره در خصوص عملکرد شرکت

۲-بررسی و تصویب اصلاحیه بودجه سال مالی منتهی به پایان آذرماه ۱۳۹۹

۳-بررسی و تصویب بودجه پیشنهادی هیئت مدیره شرکت برای سال مالی منتهی به پایان آذرماه ۱۴۰۰

۴-ارایه گزارش هیئت مدیره در خصوص مصوبات مجامع قبلی

ضبط گزارش اصلاح بودجه و بودجه پیشنهادی سال آینده و سایر مستندات جهت ارائه به سهامداران محترم در دفتر صندوق آماده می باشد.

هیئت مدیره شرکت صندوق حمایت از توسعه بخش کشاورزی شهرستان گرمه

در شهر

سبقت برای مسافر

حیدرزاده- هوای بسیار سرد سه شنبه گذشته موجب شد سر چهارراه لایستم و منتظر تاکسی تلفنی باشم تا از شر سرما خودم را خلاص کنم. سر ظهر بود و از تاکسی خبری نبود، ندانان هایم به هم می خورد و دیگر تحمل سرما را نداشتم. به چهار طرف خیابان چشم دوخته بودم و دعا می کردم هر چه زودتر تاکسی گیرم بیاید. بعد از چند دقیقه معطلی تاکسی تلفنی در خیابان رو به رویم ظاهر شد و همان لحظه تاکسی دیگری هم از خیابان سمت راست آمد. راننده مقابل با سرعت بسیار بالا به سمت من رفت و چنان خودرویش را جلوی پاهایم متوقف کرد که از جایم پریدم تا پاهایم زیر لاستیک های خودرو له نشود! راننده دیگر هم با زدن بوق به معنای نامسا از کنار آن عبور کرد. غرولندکنان سوار تاکسی تلفنی شدم و در کمال تعجب دیدم راننده مرد سالمندی است که آن طور پایش را روی پدال گاز فشرده و فرمان را سراسیمه پیچانده بود! وقتی متوجه ناراحتی من شد عذرخواهی کرد و گفت: خیلی شرمندۀ ام، امروز مسافر زیادی نداشتم و توه اش است. او توضیح داد: هر چند تعجب کردم که در این سن و سال علاوه بر همسرش نگران تامین مخارج فرزند خودم را داشته و فرمان را سراسیمه کارم درست نبود اما برای این که مسافر را از دست ندهم ناچار شدم از همکاری سبقت بگیرم، ۶ هزار تومان هم غنیمت است؛ ذره ذره جمع گردد و انگهی دریا شود، البته با این درآمدها جوی آب به هم بشود جای شکر دارد.زمانی که به مقصد رسیدم دوباره عذرخواهی کرد و با کشیدن آهی گفت: دخترم از همسرش طلاق گرفت و او و فرزندش با ما زندگی می کنند.

باید بیشتر کار کنم تا بتوانم از پس مخارج آن ها برآیم و گرنه من و همسرم می توانستیم باندک درآمدی چرخ زندگی مان را بچرخانیم.

چرخ های خودرو دوباره چرخید و به سوی مسافری که آن سوی خیابان ایستاده و از سرما در خود فرو رفته بود، رفت. سر ظهر بود، خیلی ها راه خانه را در پیش گرفته بودند اما او در پی مسافر بود.